

## وصیت نامه

وصیت نامه محکوم پس از ملاحظه قاضی اجرای احکام کیفری و اعلام بلامانع بودن تسلیم آن به ورثه، از او دریافت و ضمیمه پرونده می شود و پس از اجرای حکم، در قبال ارائه رسید به یکی از ورثات تسلیم یا به مقصد تعیین شده توسط محکوم ارسال و تصویر آن در پرونده حفظ می شود.



## خوردن و آشامیدن پیش از اجرای حکم

در صورتی که محکوم پیش از اجرای حکم تقاضای خوردنی یا آشامیدنی خاصی داشته باشد، جز در مواردی که تقاضای وی به تشخیص پزشکی قانونی به مصلحت نبوده یا به تشخیص قاضی اجرای احکام کیفری برای تأخیر اجرای حکم باشد، مأموران انتظامی مکلف به تهیه آن هستند تا پیش از اجرای حکم در اختیار محکوم قرار گیرد.



جوان محکوم به قصاص که بخشیده شده از سالهای زیر تیغ بودن می گوید

به خاطر یک اشتباه

# زنسنگی ام تباه شد



اغلب افرادی که به اتهام قتل دستگیر و به قصاص محکوم می شوند، افرادی با زندگی معمولی هستند. بیشتر آنها سرگرم زندگی شان بودند که یک اتفاق یا یک اشتباه مسیر زندگی شان را به طور کلی منحرف کرده و بعضی از آنها را تا پای چوبه دار کشانده است. یکی از آنها سجاد است؛ مرد جوانی که ۶ سال قبل در یک درگیری ساده یکی از دوستانش را ناخواسته به قتل رساند و چند روز قبل برای اجرای حکم قصاص در زندان بندر عباس پای چوبه دار منتقل شد اما در آخرین لحظات مادر مقتول او را بخشید. سجاد در گفت و گویی اختصاصی با همشهری سرنخ که در زندان بندر عباس انجام شد، جزئیاتی از سالها زندگی زیر تیغ و آنچه در پای چوبه دار بر او گذشت را بازگو کرد.



تو زندگی ات مدیون مادر مقتول هستی. با او

چه حرف داری؟

دینی به گردنم است. دوست دارم بعد از آزادی سراغش بروم و باز هم تشکر کنم و حلالیت بطلبم. تا آخر عمر کمکش کنم و اگر کاری از دستم بر می آمد برایش انجام دهم. من زندگی ام را مدیون او هستم. مادر مقتول خانه ندارد. من یک خانه برایش خریدم که به او بدهم اما قبول نمی کند. امیدوارم این خانه را از من قبول کند تا کمتر شرمنداش باشم.

آیا فرزندی هم داری؟

بله. زمانی که این حادثه اتفاق افتاد دخترم ۴۰ روزه بود و الان ۷ ساله است. از همان روزها همسرم به خانه پدرش رفت و با آنها زندگی می کند. خانم در مغازه خواهرش شاگرد است و از این طریق مخارج زندگی را تامین می کند. دخترم را ۵ سال ندیدم. تا ۲ سالگی دیدمش و بعد از آن چون داشت متوجه می شد که من زندانی هستم گفت دیگر او را به زندان نیاورند. دوست ندارم بدانم که من زندان هستم. الان هم ماجرا را نمی داند. روز اجرای حکم هم دیدم که مادرم دخترم را آورده زندان. به مادرم گفتم که چرا دخترم را آوردید؟ خدا را شکر که متوجه ماجرا نشد و دیگر هم او را به زندان نیاورند. در این مدت همیشه به او گفته اند که پدرت سر کار است.

آنطور که خودت می گویی علت اصلی

مشکلاتی که برایت به وجود آمد مصرف مشروبات الکلی بود. این کار را از چه زمانی شروع کردی و به بقیه در این زمینه چه توصیه ای داری؟

از نوجوانی مصرف مشروبات الکلی را شروع کردم. در محله بدی هم به دنیا آمده و زندگی می کردم. نمی دانم چه بگویم. خودم هم توبه کرده ام و تا آخر عمر دیگر سمت چنین مسائلی نمی روم. به خاطر مشروب خوردن زندگی ام را از دست دادم.

حرف آخر؟

از خدمتی خواهم بلایی که بر سر من و زندگی ام آمد بر سر هیچ کسی نیاید. هر چند من خودم با اشتباهی که مرتکب شدم زندگی ام را خراب کردم اما امیدوارم خدا کمک کند که از این به بعد زندگی خوبی داشته باشم.

در این مدت آیا برای جلب رضایت اولیای دم

کاری انجام دادی؟

همه تلاشم را انجام دادم. بعد از ۶ سال من را برای اجرای حکم پای چوبه دار بردند و می خواستند قصاص کنند.

در باره شب قبل از اجرای حکم توضیح بده.

شب قبل از اجرا وحشتناک ترین شب عمرم بود و از مرگ می ترسیدم. وقتی در قرنطینه بودم به همه اتفاقاتی که از بچگی تا آن موقع در زندگی ام افتاده بود فکر می کردم. همه چیز مثل فیلم از جلوی چشمم رد می شد.

روز اجرای حکم چه اتفاقی افتاد؟

خیلی سخت بود. از قبل خانواده ام را برای رضایت فرستاده بودم اما مادر مقتول رضایت نمی داد. البته قبلاً یک مرتبه من را پای چوبه دار برده بودند و برای ۳ ماه به من وقت داده بودند. دفعه دوم شاک می آمد و رو به رویم. چشمم بسته بود. خیلی التماس کردم. این بار خدام امام (ضلع) آمده بودند. به خاطر پرچم امام (ضلع) و با صحبت هایی که مسئولان با او انجام داده بودند من را بخشیدند. بعد از اینکه بخشیده شدم دیگر مادر مقتول را ندیدم. او هم گفته بود که نمی خواهد من را ببیند.

حالا با منتفی شدن قصاص چند سال دیگر باید

در زندان باشی؟

۱۰ سال حبس از لحاظ جنبه عمومی جرم به من داده اند. ۶ سال و نیم از محکومیتم گذشته و حدود ۴،۳ سال دیگر باید در زندان باشم.

در مدتی که زندانی هستی آیا کار و حرفه ای

یاد گرفتی؟

در اینجا مدتی در کارگاه های مهارت آموزی کار می کردم. اینجا یاد گرفته بودم که گیتار درست کنم. در آمد خوبی هم داشت و کارهایم را بیرون از زندان می فروختند. من لیسانس مکانیک دارم و قبل از دستگیری در یک مجتمع تولید فولاد کار می کردم. کار و زندگی ام خوب بود و هیچ مشکلی نداشتم اما این اتفاق زندگی ام را خراب کرد. آنقدر کارم خوب بود که حتی بعد از این اتفاق هم مدیرم پیام داد که اگر توانستی رضایت بگیری و آزاد شوی می توانی سر کارت برگردی.

چند سال داری و چطور شد که دستگیر شدی؟

متولد سال ۶۷ و اهل بندر عباس هستم و از سال ۹۶ به جرم قتل به زندان افتادم.

در باره قتل بیشتر توضیح بده. چطور شد که

مرتکب قتل شدی؟

در خانه من عنقریب دور هم نشسته بودیم و حالت عادی نداشتم که من با مقتول درگیر شدم و او را به قتل رساندم. آن روز آنقدر مشروب خورده بودم متوجه نشدم چه شد و چه کار کردم. وقتی بلند شدم هیچ کس در خانه نبود. انگار بیهوش شده بودم. تماس گرفتم آمبولانس آمد. به باجانم هم زنگ زدم. این بنده خدا را بلند کردیم و گذاشتیم در آمبولانس اما در بیمارستان فوت شد و من خودم رفتم کلانتری و ماجرا را توضیح دادم و دستگیر شدم.

از جزئیات قتل چه چیزهایی را به یاد داری؟

چیز زیادی یادم نیست. چند روز بعد ۲، آنفر از آنهایی که شب حادثه در خانه ام بودند آمدند در آگاهی شهادت دادند که ما با یکدیگر درگیر شده ایم و من با چاقو او را کشته ام. باور کنید خودم به درستی یادم نمی آید که چه اتفاقی افتاد اما آنطور که دوستانم می گویند در حالت غیرطبیعی با یکدیگر بحث مان شدم و بگو مگو کردیم و من با چاقو او را زدم. آنقدر که مشروب خورده بودم یادم نمی آید که دقیقاً چه اتفاقی افتاد. البته بعد با آزمایش هایی که انجام شد معلوم شد که مشروبی که مصرف کرده بودیم خیلی قوی بود. همین چیزهایی را هم که تعریف می کنم بعد متوجه شدم والا خودم چیزی از آن روز یادم نیست.

در این درگیری خودت هم آسیب دیدی؟

در درگیری، او هم من را زده و دندانها و بینی ام شکسته بود و من هم با چاقو یک ضربه به کنار سینم زده بودم.

در باره محاکمات توضیح بده. آیا حرفی برای

دفاع از خودت داشتی؟

بعد از این اتفاق چند جلسه ای بازجویی شدم و بعد از ۳ سال با شهادت شاهدان، دادگاه به من حکم قصاص داد و حکم هم تأیید شد.